آستان حسینی در گذر تاریخ

غلامرضا گلی‌زواره

سه روز از هنگام شهادت امام حسین علیه‌السلام و یارانش گذشته بود و لشکر اموی از آن‌جا به کوفه رفته بود. با این وجود از بیم جاسوس‌های عبیدالله زیاد کسی جرأت نمی‌کرد پیکرهای این پاکان را که بر خاک کربلا افتاده بود، دفن کند و برای آنان مقبره‌ای بسازد. طوایفی از قبیله بنی‌اسد که عده‌ای از مردان آنان همچون حبیب بن مظاهر و مسلم بن عوسجه جزو این شهیدان بودند، در منطقه «غاضریه» نزدیک کربلا زندگی می‌کردند. اینها اگرچه دوستدار اهل بیت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله به شمار می‌آمدند، ولی چون از کارگزاران اموی هراس داشتند، جرأت دفن بدن‌های پاک را نداشتند ، تا این که گروهی از بانوان قبیله، عزم خود را جزم نمودند و برای دفن شهدا بسیج شدند. آنان به ملامت مردان خویش نیز پرداختند که چرا

اجـازه می‌دهید پیکر این عزیزان زیر آفتـاب پرحرارت نینوا بماند؟! وقتـی مردان قوم، این شـهامت و عزم راسـخ زنان خویش را دیدند، خون غیرت در رگهایشان به جوشش درآمد و تصمیم به دفن شـهیدان گرفتند؛ اما چون شناسـایی پیکرها برایشان دشوار بود، در حاله‌ای از حـزن، حیرت و تردید، لحظه‌شـماری می‌کردند که ناگهان دیدند امام سـجاد به صورت شـگفت‌انگیزی از کوفه تا کربلا را طی الارض کرده و برای راهنمایی و کمک به آنان، در آن سـرزمین پاک حضور یافته اسـت. حضرت علی بن الحسین علیه‌السلام خطاب به بدن پدر چنین فرمود:

«طوبی لِاَرض تَضَمَّنَت جَسَدکَ الظاهِر»؛ خوشا به حال زمینی که پیکر پاک تو را در خود جای داده است.

و بر روی مرقد پدرش نوشـت: «هذا قبر الحسین بن علی بن ابی‌طالب الذی قتلوه عطشاناً غریباً».[1]

در روایت دیگری آمده اسـت: امام حسـین علیه‌السلام را پس از آن‌که بر پیکرش نماز خواندند، در جایی که اکنون مرقد اوست، به خاک سپردند و فرزندش حضرت علی اکبر علیه‌السلام را جایی نزدیک پای حضرت دفن کردند. برای شهدای دیگر از اهل بیت و یاران امام، جایی نزدیک مرقـد حضرت قبری حفر کرده و همه را در آن‌جا به خاک سـپردند. حضرت عباس علیه‌السلام در همان جایی که به شـهادت رسـیده بود، یعنی بر سر راه غاضریه به خاک سپرده شد. در منابع تاریخی آمده اسـت که وقتی امام سجاد علیه‌السلام مقداری از خاک کربلا را کنار زد، قبری ظاهر شد و امام بدون کمک بنی‌اسد، پدر را در آن نهاد.[2]

اگرچه بنی‌اسـد در برجسـته نمودن مرقد امام حسـین علیه‌السلام و صیانت از آن در برابر امویان پیش‌قدم شـدند، ولی آن قبر مطهر فاقد هرگونه سـایبانی بود. عبیـدالله بن حرّ جعفی، یکی از کوفیانی که به ندای کمک‌خواهی امام حسـین علیه‌السلام جواب منفی داد، با حالتی از ندامت و تأسف بر این‌که چرا به ندای امام عصر خود لبیک نگفته، در مقابل مرقد امام حسین علیه‌السلام ایستاد و قصیده معروف خود را سرود.[3]

چون اهل بیت امام حسـین علیه‌السلام از سرزمین شام به عراق بازگشتند، به زیارت مزار حسین‌بن علی علیه‌السلام و شهدای کربلا مشرف شدند. همچنین جابربن عبدالله انصاری به همراه عطیه کوفی

برای زیارت آن بارگاه پاک توانستند در اولین اربعین حسینی سال ۶۱ بر مزار آن امام حاضر شـوند. عطیه می‌گوید همراه جابر به کربلا رفتیم. چون به آن حوالی رسیدیم، جابر به ساحل فرات رفت و غسل کرد و دو جامه بر تن کرد. کیسه‌ای گشود و عطری از آن بیرون آورد و خود را با آن معطر سـاخت. با هرگامی که برمی‌داشت، ذکر می‌گفت. آن‌گاه دست خویش را بر روی قبر امام گذاشـت و از شـدت ماتم و حزن بیهوش بر زمین افتاد. اهل بیت امام نیز سوگواری مفصلی نمودند.[۴]

گروهی از توابین به رهبری سـلیمان بن صُرد خزاعی در آغار ربیع‌الاول سـال ۶۵ هجری برای زیارت مرقد حسینی به کربلا آمدند و بعد از ناله و زاری و عزاداری، سوگند یاد کردند کـه انتقام خون آن حضرت را از امویـان خواهند گرفت. این اجتماع چهارهزار نفری، اولین حرکت عظیم مذهبی ـ سیاسـی در کنار مرقد سیدالشهدا بود و قبور شهدا در آن زمان، هنوز سایه‌بان نداشت.

در سال ۶۶ هجری، مختار بن ابوعبید ثقفی که به کمک موالیان برای خون‌خواهی شهیدان کربلا علیه امویان قیام کرد، پس از سـرکوبی آنان و مجازات قاتلان حادثه خونین عاشـورا دستور داد بنایی بر مرقد حسین بن علی علیهما‌السلام بسازند که گنبدی از گچ و آجر بود و در کنارش مسـجدی ساخت. با گذشـت زمان، در اطرافش بازار و خانه‌های محکمی شکل گرفت. این آستانه دارای دو درب در جهت شرقی و غربی بود.[۵ ۶]

از توصیه‌هـای امام باقـر و امام صادق علیهما‌السلام چنیـن برمی‌آید که با وجود اختنـاق بنی‌امیه و بنی‌عباس، شـیعیان با تحمل سـختی‌ها بارگاه حسـینی را زیارت می‌کردند. در این روایات، برای زیارت مرقد امام حسـین علیه‌السلام آثار و برکات بسـیاری شمرده شده؛ چرا که بار گناهان را کم می‌کند و راه را برای رفتن به بهشـت همواره می‌سازد. این زیارت معادل عمره و زیارت مرقد رسـول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و آزادی برده است. غم‌ها را می‌زداید؛ عمر را افزایش می‌دهد؛ روزی را افزون می‌سـازد؛ حاجات را برآورده می‌نماید و زائر حسینی مورد شفاعت قرار می‌گیرد و رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، ائمه و فرشتگان برایش دعا می‌کنند.[۷]

امام صادق علیه‌السلام فرموده‌اند: هرگاه به سوی حائر آمدی، از پل عبور کن و در فرات غسل نما و در غاضریه قدم بگذار. نیز تأکید کرده‌اند: هرگاه خواستی در کربلا به زیارت قبر حسین علیه‌السلام

بروی، بیرون قبله بایســت و به ســوی مرقد بنگر؛ آن‌گاه وارد روضه شو و در برابر آن، مقابل سر حضرت بایست و هنگام خروج از دری که پایین پای علی بن الحسین (علی اکبر) قرار دارد، خارج شــو؛ سپس به مرقد شهیدان روی آورده، آن‌گاه به سوی مرقد ابوالفضل علیه‌السلام برو و روبه‌روی باب السقیفه (بنای سقف‌دار) توقف کن و سلام کن.[۸]

از ایــن روایت برمی‌آید که مرقــد امام در اواخر دوران بنی‌امیه، دارای ســقف و بنایی بوده و درخت ســدری بر آن ســایه می‌افکنده و در جوار آن تربت پاک، مسجدی وجود داشته است. در زمان ابوالعباس سفاح، اولین خلیفه عباســی، فرصت برای زیارت مرقد امام حســین علیه‌السلام بهتر فراهم گردید و آبادی و عمران آن حرم شــریف نیز آغاز شد.[۹]

وقتی منصور عباســی به خلافت رسید و مرکز حکومت را به عــراق انتقــال داد، جلوه بارگاه کربــلا برایش قابل تحمــل نبود؛ زیرا انبوه جمعیت مشــتاق بــرای زیارت به ســوی آن می‌شــتافتند و به برکت این بارگاه، علیه حکام جور و ستم قیام می‌کردند. منصور می‌دید که شکل‌گیری حرکت‌های سادات حسنی و حسینی و انقلاب‌های شیعیان که آســایش را از او گرفته، بی‌تأثیر از بوســتان حســینی نیســت؛ پس ضمن ســرکوبی این نهضت‌ها و اعتراض‌ها، در ســال ۱۴۵ هجری به حرم مطهر حســینی یورش برد،[۱۰] امــا به دلیل مقاومت مردم، موفق به تخریب بنا نشــد. ولی وقتی هارون الرشــید به ســال ۱۷۰ هجری روی کار آمد، به دستور او آستانه حســینی که توسط مختار ساخته شده

در ســال ۶۶ هجــری، مختــار بن ابوعبید ثقفی که به کمک شــیعیان غالبــاً ایرانــی برای خون‌خواهی شــهیدان کربلان علیه امویان قیام کرد، پس از سرکوبی آنان و مجازات قاتلان حادثه خونین عاشــورا دستور داد بنایــی بــر مرقد حســین بن علی بســازند که گنبدی از گــچ و آجــر بــود و در کنارش مســجدی ســاخت. با گذشت زمــان، در اطرافــش بــازار و خانه‌های محکمی شکل گرفت. این آستانه دارای دو درب در جهت شرقی و غربی بود.

مرقد امــام در اواخر دوران بنی‌امیه، دارای سقف و بنایی بوده و درخت ســدری بر آن ســایه می‌افکنــده و در جوار آن تربت پاک، مسجدی وجود داشته است.

بود، خراب گردید و قبر مطهر را شخم زدند و درخت سدره را که بنی‌اسد برای علامت قبر و سایبان و هدایت زائرین کاشته بودند، قطع کرد. در سال ۱۹۸ هجری که مأمون زمام امور را به دست گرفت، برخلاف روش پدر در جهت جلب رضایت و محبت شیعیان و برخی سیاست‌های مصلحت‌جویانه، تصمیم گرفت که امام رضا علیه‌السلام را به ولایت‌عهدی خود تعیین کند. در شرایط جدید، شیعیان فرصت به دست‌آمده را غنیمت شمردند و آستانه مجلل و باشکوهی بر مزار ابی‌عبدالله بنا کردند. آنان تمام خرابی‌ها را بازسازی کردند و راه کربلا برای زائران مشتاق گشوده شد و سیل مهاجرت‌ها به سوی این سرزمین سرازیر گردید.

از سال ۲۳۰ هجری و در زمان امامت امام هادی علیه‌السلام، شوق مسلمانان شیعه برای زیارت مرقد حسینی روزافزون و باشکوه بوده و این امر رعب و هراس را در دل فرمانروایان عباسی همچون معتصم (برادر مأمون)، واثق و متوکل عباسی افکنده بود.

ابوهاشم جعفری می‌گوید: من و محمد بن حمزه به خدمت امام هادی علیه‌السلام رسیدیم تا از آن بزرگوار که بیمار بودند، عیادت کنیم؛ حضرت به ما فرمود: «**وَجَهُوا قوماً الی الحائر مِن مالی**»؛ یعنی گروهی را روانه حائر حسینی کنید و هزینه سفرشان را از دارایی من بپردازید. وقتی از منزل حضرت بیرون آمدیم، ابن‌حمزه به من گفت: حضرت هادی ما را به سوی حائر می‌فرستد و حال آن‌که خود به منزله کسی است که در کربلا دفن گردیده است! ابوهاشم می‌گوید: من به نزد حضرت هادی علیه‌السلام بازگشتم و این گفته محمد بن حمزه را برای امام نقل کردم؛ امام فرمود:

«**لَیس هُوَ هکذا، انّ لله مواضع یحبّ اَن یَعبد فیها و حائر الحسین من تلک المواضع**»؛ نه این‌گونه نمی‌باشد، به درستی برای خداوند مواضعی است که دوست دارد در این مکان‌ها عبادت شود و حائر حسین از آن جاهاست.[۱۱]

پس از مرگ واثق عباسی، برادرش متوکل روی کار آمد که چهارده سال حکومت کرد. او در عیاشی، شرب خمر و فساد شهرت یافت. در عصر او آثار انحلال امپراتوری عباسی آشکار گردید. چراغ معرفت، دانش و اندیشه رو به خاموشی رفت و علویان زیر شدیدترین فشارها قرار گرفتند. او در دومین سال فرمانروایی خود و به سال ۲۳۳ هجری دستور داد تا بارگاه امام حسین علیه‌السلام و تمام منازل و خانه‌های کربلا را ویران و در زمین‌های آن‌جا زراعت کنند. مأمورانش زمین کربلا را شخم زدند و بر آن، آب جاری ساختند؛ ولی آب در اطراف

مرقد به گـردش درآمد و مرقد را فرا نگرفت. او گروهی از کارگزاران خویش را گرداگرد مزار حسـینی گماشت تا زائران را از زیارت آن بارگاه نورانی بازدارند. به دستور او عـده‌ای نیروی مسـلح در تعقیب زائـران بودند؛ با این حال شیعیان در نینوا اجتماع کردند و به سوی کربلا روان شدند. نگهبانان درصدد سرکوبی ایشان برآمدند، اما آنان مقاومت کردند و گفتند اگر همه ما را بکشـید، هر کدام که باقی باشیم، به زیارت بارگاه حسینی می‌رویم. سرانجام بـا دلایل منطقی او را قانع کردنـد که از این رفتار مذموم دسـت بردارد. وقتی فرمانده سـپاه او که در کربلا مستقر بود، این نـکات را در نامه‌ای به متـوکل گزارش داد، او تسلیم شد و دست از آزار زائرین و تخریب بناهای کربلا برداشـت، اما بار دیگر در سال ۲۳۷ هجری دستور ویرانی و جلوگیری از زیارت علاقه‌مندان را داد؛ به همین سـبب دل‌ها جریحه‌دار گردید و مردم در اماکن عمومی، مساجد و محافـل دینی، معابـر و بازارها متـوکل را لعن و نفرین می‌کردند و شـعرا در هجو و توبیخ او شعرها سرودند، اما متـوکل همچنان به جسـارت و اهانت‌های خود ادامه داد و در سـال ۲۴۷ فرمان تخریب آسـتان حسینی و ممانعت شدید از زیارت مردم را داد.

متـوکل از این می‌هراسـید که مرقد امام حسـین علیه‌السلام به پایگاهی علیه فسـاد و خلاف‌کاری‌ها و جنایات او تبدیل گردد و حماسـه عظیم کربـلا الهام‌بخش قیام‌های فراگیر علیه بسـاط عباسیان شود؛ اما دوسـتداران سرور و سالار شـهیدان در هیچ شرایطی از زیارت آن حضرت و اهتمام

وقتی هارون الرشید به سال ۱۷۰ هجری روی کار آمد، به دستور او آستانه حسینی که توسط مختار ساخته شده بود، خراب گردیـد و قبر مطهر را شخم زدند و درخت سدره را که بنی‌اسد برای علامت قبر و سـایبان و هدایت زائرین کاشته بودند، قطع کرد.

به عمران و آبادانی آستان حسینی بازنایستادند؛ حتی نقل شده است که متوکل هفده بار قبر حضرت را ویران و زائران را به قتل و حبس و شکنجه تهدید کرد، ولی با همه این جنایات نتوانست از سیل زائران جلوگیری کند. مردم انواع شکنجه‌ها را تحمل می‌کردند، ولی دست از زیارت برنمی‌داشتند. در یکی از سروده‌هایی که آن را بر سر منابر و در محافل مذهبی می‌خواندند، آمده بود:

اگر بنی‌امیه به ناحق و از روی ستم فرزند دختر پیامبرشان را کشتند، اینک افرادی از دودمان بنی‌هاشم جنایتی دیگر مرتکب شده‌اند و مرقد آن حضرت را به ویرانه‌ای تبدیل کرده‌اند. گویی عباسیان متأسفند که چرا در ماجرای کربلا برای همکاری با جنایات بنی‌امیه حضور نداشته‌اند و اینک با تهاجم به تربت حسینی، از آن جفاکاران پیروی می‌کنند.[۱۲]

دیری نگذشت که متوکل به هلاکت رسید و پسرش «منتصر» که پدر را کشته بود و به خاندان عترت علاقه داشت، روی کار آمد. منتصر با علویان رفتاری نیکو پیش گرفت و به حمایت از آنان برخاست و با کمک‌های مالی، ایشان را تقویت می‌کرد. در سال‌های نخستین حکومت خود، بارگاه امام حسین علیه‌السلام را بازسازی کرد و به حال اول بازگرداند و زمینه‌های زیارت آن تربت پاک را فراهم ساخت در این زمان آستانه حسینی شکوه و جلال ویژه‌ای یافت و مناره بلندی در کنارش ساخته شد که با نورافشانی آن، زائرین در شب، از دور راه را بازمی‌یافتند و به سوی حرم حسینی هدایت می‌شدند. شیعیان و بنی‌طالب فرصت را غنیمت شمرده و به سوی کربلا سرازیر شدند. سید ابراهیم مجاب، فرزند سید محمد عابد، فرزند امام کاظم علیه‌السلام که مرقدش در زاویه شمال غربی رواقی قرار دارد و در حرم مطهر حسینی به نام خود اوست، در زمان منتصر به کربلا هجرت کرد و این شهر را وطن خویش قرار داد.

با مرگ منتصر، پسر دیگر موکل یعنی محمد به خلافت رسید. او نیز هرگز شیوه ننگین پدر را دنبال نکرد. با مردم به درستی رفتار کرد و به علویان احترام می‌گذاشت و در حقشان نیکی می‌نمود و درصدد بود تا کدورت‌های پیشین را برطرف کند. مرقد امام حسین علیه‌السلام و دیگر شهدای کربلا را تعمیر کرد و دستور داد تا مردم مانند گذشته به کربلا بروند. بنایی منتصر بر مرقد امام احداث کرده بود، در سال ۲۷۳ هجری رو به ویرانی نهاد. از این‌روی در

حدود سال ۲۸۰ «داعی الصغیر» فرمانروای طبرستان و از نوادگان زید بن علی علیه‌السلام اقدام به تجدید آن بنا نمود و بر رونق و شکوه آن افزود. در همین روزگار یکی دیگر از زمامداران علوی، گنبدی بر روی قبر بنا کرد که دو درب داشت و اطراف آن دو سقف احداث کرد و دیواری به گرد آن کشید.[۱۳]

بارگاه حسینی از قرن چهارم تا سقوط بنی‌عباس

از سال ۳۲۰ هجری آل‌بویه اقتداری به دست آوردند و بر خلفای عباسی شوریدند و سلسله‌ای آل‌بویه را پایه‌گذاری کردند که در نشر و گسترش تشیع و احیای فرهنگ اهل بیت و برگزاری آداب و رسوم دین براساس اعتقادات شیعیان، اهتمام چشم‌گیری از خود نشان دادند. یکی از فرمانروایان این تشکیلات «فناخسرو عضدالدوله» نام دارد که از سال ۳۳۸ هجری زمام امور را به دست گرفت. او تلاش کرد تا عتبات عالیات عراق و سایر اماکن زیارتی که در قلمرو این حاکمان قرار داشت، مورد توجه قرار گیرد. اگرچه سفرهای زیارتی شیعیان به اماکن متبرکه، متداول و معمول بود، اما از اواخر قرن چهارم هجری، یکی از علمای بغداد که «ابومحمد حسن بن علی بربهاری» نام داشت و ریاست حنبلیان این شهر را عهده‌دار بود، آرا و عقاید ویژه‌ای را مطرح ساخت و پیروان خود را وادار کرد که هر کس با این افکار مخالفت ورزید، به شدت با او برخورد کنند. از کارهای بربهاری این بود که نوحه‌گری و مرثیه‌خوانی بر امام حسین علیه‌السلام و زیارت مرقد آن امام مظلوم را منع کرد.

نقل شده است که متوکل هفده بار قبر حضرت را ویران و زائران را به قتل و حبس و شکنجه تهدید کرد، ولی با همه این جنایات نتوانست از سیل زائران جلوگیری کند. مردم انواع شکنجه‌ها را تحمل می‌کردند، ولی دست از زیارت برنمی‌داشتند.

سید ابراهیم مجاب، فرزند سید محمد عابد، فرزند امام کاظم علیه‌السلام که مرقدش در زاویه شمال غربی رواقی قرار دارد و در حرم مطهر حسینی به نام خود اوست، در زمان منتصر به کربلا هجرت کرد و این شهر را وطن خویش قرار داد. به همین دلیل فرزند بزرگش را «محمد حائری» لقب داده‌اند. وی جدّ اعلای سادات «فائز» که امروزه در کربلا به آل‌طعمه، آل‌نصرالله، آل‌ضیاءالدین، آل‌تاجر، آل‌مساعد و آل‌سید امین معروفند، به شمار می‌رود.

اگرچــه فتنه بربهاری رفتــه رفته تا حدودی فروکش کرد و خــودش در ۳۲۹ هجری مرد، امــا بعدها کســان دیگری از عقاید او پیروی کردند و با زیارت قبــور ائمه به‌ویژه بارگاه امام حســین علیه‌السلام به مخالفت برخاســتند و برای زائرین مشــکلاتی فراهم کردند. با چیره گردیدن آل‌بویه و اقتدار عضدالدوله، این دشــواری‌ها از میان رفت و چون حاکمان این سلسله، خود به زیارت می‌رفتند، سنت مزبور آسان‌تر و رایج‌تر گردید. عضدالدوله خود به کربلا می‌رفت و در این سفرها به زائرین احسان می‌نمود. در سال ۳۷۱ هجری که او توقفی در جوار آستان حسینی داشــت، عطاهای فراوانی میان مجاورین آن حرم توزیع کرد و مبالغ قابل توجهی در صندوق مطهر آن حضرت قرار داد تا میان علویان و سادات تقسیم شود.[۱۴]

عضدالدوله در سال ۳۷۱ بنایی را که دارای رواق‌های متعدد بود، بر مرقد امام بنا کرد. این ساختمان عبارت بود از چهار رواق هماهنگ در چهار طرف حرم مطهر و صحن شش گوشه. بر روی مرقد نیز گنبدی باشــکوه استوار گردید. داخل حرم با قندیل‌های طلا برای روشنایی تزئیــن گردیــد و دیوارهای حرم و رواق‌ها را با چوب ســاج و آیینه‌های بزرگ پوشــاندند. صندوقی از چوب ســاج منبت‌کاری بر قبر مطهر قرار داشت و نهر آب تا برابر آستان حسینی و اطــراف صحن می‌آمد که آثــارش تا نیمه اول قرن چهاردهم هجــری در کربلا باقی بود. عضدالدوله ســفر شیعیان را به کربلا تشــویق کرد و اطراف آستان، خانه‌های بسیاری ساخت و بین مهاجرین و ســاکنین حائر حســینی تقســیم کرد؛ ماهانه و موقوفات قابل توجهی برای مجاورین و خدمه آســتان امام حســین علیه‌السلام مقرر کرد؛ بازار بزرگ سرپوشــیده‌ای بین آستان حســینی و بارگاه حضرت ابوالفضل علیه‌السلام بنا کرد که تا عصر حاضر این بازار به صورت وقف در تصرف ذریه وی باقی است. عضدالدوله در ضلع شرقی صحن شریف برای خود خانه‌ای بنا کرد که یک دربش مســتقیماً به صحن حســینی و درب دومش به بازاری که خود ساخته بود، باز می‌شــد و همه ساله که به زیارت کربلا می‌رفت، در آن منزل سکونت می‌گزید. این منزل توســط ذریه‌اش «ملا محمدکاظم طالقانی» وقف گشت. سپس شیخ محمدجعفر، فرزند ایــن عالم، آن را به مرکز فراگیــری علوم دینی تبدیل کرد. برای مصــون گردیدن کربلا از تعرض دشــمنان، عضدالدوله دیوار بلندی دور شهر کشید که به استحکامات دفاعی و نظامی مجهز شده بود.

در عصر آل‌بویه، به‌ویژه در دوران عضدالدوله کربلا راه ترقی و توسعه را پیمود و امکانات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آن شکوفا گردید؛ بازرگانی آن گسترش یافت؛ کشاورزی و فعالیت‌های باغداری در آن رونق گرفت؛ از نظر علمی و ادبی به مرحله‌ای والا رسید؛ روح حیات فکری و تلاش علمی در پیکرش دمیده شد و علما و مشاهیر گران‌قدری در علوم عقلی، نقلی، ادبی و ذوقی از این سرزمین به پا خاستند.[۱۵]

«عمران بن شاهین» که یکی از امیران «بطایح» بود، کار عضدالدوله را پی گرفت و مسجد و رواق پشت را که به نامش معروف است، به روضه حسینی افزود. به گفته سید محمدصادق بحرالعلوم این رواق به نام سید ابراهیم مجاب معروف است. مسجد یادشده، تا زمان صفویان باقی بود و آنان مسجد را ضمیمه صحن کردند که آثارش هنوز باقی است. ساختمان این رواق و مسجد در ۳۶۷ هجری پایان یافته است.[۱۶]

در ۱۴ ربیع الاول ۴۰۷ هجری دو شمع بزرگی که هر شب در دو سوی مرقد مطهر روشن بود، بر زمین افتاد و موجب آتش‌سوزی بزرگی گردید و تمامی دیوارهای حرم و رواق که با آیینه و چوب ساج مزین بود و فرش‌های حرم و پرده‌های گران‌بها طعمه آتش شد؛ ولی چون در ساختمان اصلی آستان، چوب به کار نرفته و تمام عمارت از طاق‌های ضربی، گچ و آجر بود، به کانون بنا آسیبی وارد نشد. «حسن بن مفضل بن سهلان رامهرمزی» وزیر سلطان الدوله بویه، خسارت‌های وارد شده بر اثر

عضدالدوله در سال ۳۷۱ بنایی را که دارای رواق‌های متعدد بود، بر مرقد امام بنا کرد. این ساختمان عبارت بود از چهار رواق هماهنگ در چهار طرف حرم مطهر و صحن شش‌گوشه. بر روی مرقد نیز گنبدی باشکوه استوار گردید.

آتش‌سوزی را جبران کرد و اطراف شهر کربلا را با حصار استواری محصور ساخت. این بارو همان است که ابن‌ادریس در ۵۵۸ هجری در کتاب «المواریث» و «السرائر» ثبت کرده است،[۱۷]

دوران فرمانروایی «آلْب ارسلان» و «ملکشاه سلجوقی» اوج قدرت امپراتوری سلجوقی به شمار می‌آید. اگرچه این سلسله گرایش‌های سنی‌گری داشتند، اما شیعیان دوازده‌امامی در این دوره، مقتدر بودند و عده‌ای در محافل و معابر، از فضیلت‌های ائمه سخن می‌گفتند که به مناقب خوانان معروف بودند. فرهنگ تشیع نیز راه شکوفایی را سپری کرد و علمای بزرگ، آثار گرانسنگی تألیف کردند. طبرسی صاحب «مجمع البیان»، شیخ طوسی مؤلف «التبیان» و آثار دیگر، و ابن‌ادریس حلی صاحب «السرائر» از آن جمله‌اند. پادشاهان سلجوقی این درخشندگی را مورد توجه قرار می‌دادند. ملکشاه سلجوقی در سال ۴۷۹ هجری به زیارت بارگاه امام حسین علیه‌السلام رفت و دستور داد تا اماکن و دیوارهایی را که دچار ضایعات و فرسودگی شده بود، بازسازی و تعمیر کنند و معماران نهایت ذوق و هنر خویش را در این مکان به کار گیرند. در سال ۵۲۹ هجری مردم بسیاری رهسپار عراق شدند و حرم امام حسین علیه‌السلام را در کربلا زیارت کردند و هیچ کدام از کارگزاران سنی مذهب سلجوقی، متعرض زائرین نگردید. در ربیع‌الثانی ۵۵۳ هجری «المقتفی بالله» اگرچه به قصد شهر انبار حرکت کرد، ولی از فرات گذشت و مرقد امام حسین علیه‌السلام را زیارت کرد.[۱۸]

از عصر مغولان تا روی کار آمدن صفویان

در زمان هلاکوخان مغول و به فرمان وی از ۲۲ محرم ۶۵۶ هجری، بغداد مرکز حکم‌رانی و خلافت عباسیان، محاصره شد و سرانجام پس از هجومی سنگین که با قتل و خرابی بسیار همراه بود، دولت ۵۲۵ ساله عباسی برافتاد و دستگاه خلافت به کلی از میان رفت. به دنبال آن، شهرهای عراق یکی پس از دیگری به دست مغولان افتاد و چون هلاکو بر این نواحی تسلط یافت، گروهی از بزرگان شیعه با وی گفت‌وگو و مکاتبه کردند و از او امان خواستند. هلاکو نیز فرمانی صادر کرد که موجب شادمانی شیعیان علاقه‌مند به عتبات عراق را فراهم ساخت و نجف و کربلا از قتل و غارت مغولان مصون ماند. در این وضع تازه که دیگر خبری

از فشـارهای عباسیان نبود، شیعیان در کربلا و نجف نفوذ بسیاری به دسـت آوردند و بازسازی و توسعه این مراکز زیارتـی رو به فزونـی گرفت و فرمان سرپرسـتی عتبات عالیات برای کارگزاران شیعی صادر گردید.[۱۹]

در ۶۹۳ هجـری و هنگام روی کار آمدن «غازان خان»، بر اثـر بی‌توجهی، نهر معروف علقمه که به سـوی کربلا جاری بود، تقریباً از جریان افتاد و نیاز به لایروبی اساسـی داشـت. بزرگان علوی که جـوار حرم حسـینی را برای سکونت برگزیده بودند، توانایی اجرای طرح‌های عمرانی را نداشـتند. غازان‌خان پس از تسـلط بر اوضاع در سـال ۶۹۸ هجری قمـری به حفر مجدد آبراهـی از فرات و از مکانی در شـمال حلّه به کربلا فرمـان داد که از آن پس همواره زمین‌های این مکان مقدس را سیراب ساخت و به نهـر غازانی معروف گردید. دیری نپایید که به برکت این نهر، باغ‌ها و مزارعی در مسیر کناره‌های این آبراه تا کربلا به وجود آمد. محصولات کشـاورزی کربلا به حدی رو به فزونی یافت که منبع تأمین آذوقه بغداد و نواحی اطراف شـد. این آبراه بدان حد وسـعت داشـت که رفت و آمد قایق‌هـا از بغداد و دیگر شـهرها و از طریق دجله و فرات به آن امکان‌پذیر بود. اثر اصلاحات غازان‌خان در عتبات عراق در دوران سـلطنت اُلجایتو (جانشـین وی) به چشم می‌خورد.[۲۰]

به نوشـته برخی منابع، غازان‌خان در جمادی الاول ۷۰۲ هجری بارگاه امام حسین علیه‌السلام را زیارت کرد و دستور داد تا در مرمت این بنای مقدس بکوشند و پرده‌های گران‌بها

در ۶۹۳ هجری و هنگام روی کار آمدن «غازان‌خان»، بر اثر بی‌توجهی، نهر معروف علقمه که به سـوی کربلا جاری بود، تقریبـاً از جریان افتاد و نیاز به لایروبی اساسـی داشت. بـزرگان علوی کـه جوار حرم حسـینی را بـرای سـکونت برگزیـده بودنـد، توانایـی اجـرای طرح‌هـای عمرانی را نداشتند. غازان‌خان پس از تسلط بر اوضاع در سال ۶۹۸ هجـری قمری بـه حفر مجدد آبراهی از فـرات و از مکانی در شمال حلّه به کربلا فرمان داد کـه از آن پـس همواره زمین‌هـای این مکان مقدس را سـیراب سـاخت و به نهر غازانی معروف گردید.

برایش بدوزند و مبالغ قابل توجهی به مجاوران و حاضران حرم حسینی داد.[۲۱] غازان اگرچه سنی‌مذهب بود، اما سلوکی دوستانه با شیعیان داشت و علاقه‌مندان به خاندان پیامبر به سبب توجه او به مرقد حسینی و کربلا، سپاسگزارش شدند.[۲۲] ابن‌بطوطه (متوفای ۷۷۷ ه) که به سال ۷۲۷ هجری کربلا را دیده است، می‌نویسد:

> از حلّه به سوی کربلا، مشهد حسین بن علی علیه‌السلام حرکت کردیم. کربلا شهر کوچکی است که نخلستان‌ها اطرافش را گرفته‌اند و از فرات آبیاری می‌شود. روضه مقدس امام حسین علیه‌السلام در داخل شهر واقع شده و مدرسه بزرگ و زاویه‌ای دارد که در آن به مسافرین طعام می‌دهند. خدام و حاجیان بر درب روضه امام ایستاده‌اند و ورود به حرم، بی‌اجازه آنان میسر نیست. هنگام ورود، عتبه شریفه را که از نقره است، باید بوسید. روی ضریح مقدس امام قندیل‌هایی زرین و سیمین گذاشته شده و از درهای آن پرده‌های حریر آویخته‌اند. مردم کربلا (غالباً) دو طایفه‌اند که هر دو پیرو مذهب امامیه و از یک نسلند.[۲۳]

یکی از بزرگ‌ترین و معروف‌ترین سلسله‌هایی که در دوران فترت بین ایلخانان مغول و تیموریان در ایران حکومت کرده‌اند، سلسله «آل‌جلایر» یا ایلخانی است که از ۷۳۶ تا ۸۳۶ هجری قدرت را در دست داشتند. فرمانروایان این سلسله، با وجود گرایش‌های سنی، غالباً نسبت به مشاهد مقدس شیعیان ارادت قلبی و عملی داشتند و برخی از آنان پس از مرگ، در عتبات عراق به خاک سپرده شدند و اغلب سلاطین و خوانین ایشان اشیای بسیار گران‌بها و زیبایی وقف اماکن مقدس نجف و کربلا کردند.[۲۴]

سلطان اویس، فرزند شیخ حسن ایلخانی جلایری به سال ۷۶۷ هجری تعمیرات آستان حسینی را آغاز کرد، اما مرگش فرا رسید و فرزندش سلطان احمد در ۷۸۶ کار پدر را پی گرفت. او ایوان طلا را بنا کرد. تاریخ این تعمیرات بالای محراب، کنار رأس شریف، معروف به نام «نخله مریم» که از آثار هنری ایرانی و حجّاری اسلامی بود، دیده می‌شد که بی‌جهت و بر اثر دشمنی با تشیع در ۱۳۶۳ هجری به دستور استاندار وقت کربلا محو گردید. امیرجان، مشهور به «مرجان» غلام سلطان اویس جلایری که والی بغداد بود و بعدها سر به عصیان برداشت، در ضلع شرقی صحن حسینی مسجدی زیبا بنا کرد و مناره‌ای عظیم بر آن

برافراشت که در شکوه هنری، کم‌نظیر بود؛ اما حکومت بغداد آن را هم بر اثر دشمنی با تشیع در سال ۱۳۵۴ هجری ویران کرد.[۲۵]

یکی از فرقه‌های غالی، پیروان «سید محمد مشعشع» بودند که دعوی مهدویت می‌کرد. در سال ۸۵۸ هجری «علی بن محمد فلاح مشعشعی» حرم حسینی را هدف تهاجم و غارت قرار داد.[۲۶]

در ۲۵ جمادی‌الثانی ۹۱۴ شاه اسماعیل بنیان‌گذار سلسله صفوی وارد بغداد شد و مورد استقبال شیعیان این شهر قرار گرفت و روز بعد به سوی کربلا رهسپار گردید و به زیارت مرقد امام حسین علیه‌السلام شرفیاب شد. یک شبانه‌روز در حرم حسینی معتکف بود و دستور تعمیرات لازم را صادر کرد. او دوازده قندیل طلای خالص برای روشنایی حرم اختصاص داد و نیز تمام حرم و رواق‌های شریف را با گران‌بهاترین فرش‌های ابریشم ایرانی مفروش ساخت و هدایای ارزشمندی بین علویان و ساکنان کربلا تقسیم کرد.

به دستور شاه اسماعیل، هنرمندان برگزیده‌ای موظف شدند که شش صندوق منقش به نقوش خطائی و اسلیمی را در نهایت دقت و ابداع بسازند؛ سپس آنها را به عتبات عراق فرستاد که یکی از آنها را به آستان حسینی و دومی را به آستان حضرت عباس علیه‌السلام اهدا کرد. تهیه و نصب این صندوق‌ها در سال ۹۳۲ هجری به پایان رسید.

«بیدرو تکسیرا» جهانگرد پرتغالی در ۱۰۱۳ هجری وارد

به دستور شاه اسماعیل، هنرمندان برگزیده‌ای موظف شدند که شش صندوق منقش به نقوش خطائی و اسلیمی را در نهایت دقت و ابداع بسازند؛ سپس آنها را به عتبات عراق فرستاد که یکی از آنها را به آستان حسینی و دومی را به آستان حضرت عباس علیه‌السلام اهدا کرد. تهیه و نصب این صندوق‌ها در سال ۹۳۲ هجری به پایان رسید.

نجف شد و سپس به کربلا رفت. او کربلا را این‌گونه وصف کرده است:

> کربلا شـهری اسـت با حدود چهارهزار خانواده و بیشـترش از خانه‌های محقر تشکیل یافته و ساکنین آنها عرب و ایرانی و کمی از ترک‌ها هستند و بازارهای شهر یک طبقه، با بنای استوار بود. کالاهای تجارتی، گوشت، سبزیجات و میوه فراوان بود و این کثرت، معلول رفت و آمد زائرین به روضه مقدسه که در مرکز شهر قرار دارد، می‌باشد.[۲۷]

در دوره حکومت شـاه اسماعیل، «علی پاشـا الوند» حاکم بغداد شد. او به دستور شاه ضریح امام حسین علیه‌السلام، مسجد مجاور بارگاه، رواق و گنبد آن حضرت را بازسازی و قبور دیگر شهدای کربلا را تعمیر نمود. در سـال ۱۰۳۲ هجری شـاه عباس عازم کربلا شد و ضریحی از فولاد بر روی صندوق شاه اسماعیل نهاد و دستور تعمیر گنبد و کاشی‌کاری آن را صادر کرد. شاه صفی در ۱۰۴۲ هجری اموال فراوانی را برای تعمیر مرقد امام حسین علیه‌السلام اختصاص داد و مسجد بزرگی را که به حائر حسـینی متصل بود، گسترش داد. به سال ۱۰۴۸ هجری سلطان مراد عثمانی گنبد آستانه حسینی را تعمیر کرد و در ۱۱۵۳ هجری دختر شاه سلطان حسین صفوی مسجد مطهر را بازسای نمود و برای این امر اموال فراوانی هزینه کرد. همسر نادرشاه افشار هم تعمیرات وسیعی را در این آسـتان انجام داد و صندوق بسـیار زیبا و نفیسـی برای مرقد شریف ساخت. حرم و رواق‌ها را با قالی‌های گران‌بها فرش کرد و با پرده‌های زیبا تزئین نمود.

از تهاجم وهابیان تا سقوط بعثی‌ها

در سـال ۱۲۰۷ قمری آغامحمدخان قاجار، بنیان‌گذار سلسله قاجاریه، گنبد امام حسین علیه‌السلام را طلاکاری کرد و چون این پوشـش طلایی بعد از چند سـال فرسوده گردیده و گنبد سیاه شـده بود، در زمان فتحعلی شـاه قاجار، گنبد دوباره طلاکاری شـد. در ۱۲۱۴ قمری نیز وی ضریحی از نقره به حرم اهدا کرد که تا چندی پیش روی مرقد مطهر باقی مانده بود. در همین روزگار یکی از همسـران شـاه قاجار مخارج طلاکاری دو گلدسته حرم حسینی را عهده‌دار گردید و این کار را به انجام رساند.

در هجدهم ذی‌حجه سال ۱۲۱۶ قمری که مصادف با روز عید غدیر خم بود و علاقه‌مندان به اهل بیت با شـور و اشـتیاق فراوان برای زیارت به نجف رفته بودند، پیروان فرقه وهابی به

فرماندهی امیر سعود وهابی که شامل سپاهی مرکب از بیست‌هزار جنگجو بود، به کربلا حمله‌ور گردید. آنان پس از محاصره شهر، سرانجام وارد کربلا شدند و مدافعین را قتل‌عام کردند. وهابیان چنان جنایاتی در این دیار مقدس مرتکب شدند که در وصف نمی‌گنجد. در یک شب، بیست‌هزار نفر را کشتند. آنان به این وضع بسنده نکردند و آستان حسینی را ویران و اموال آن را غارت کردند و تمام قندیل‌های طلا و نقره دوره صفوی و فرش‌های گران‌قیمت را به تاراج بردند. از آن‌جا که برخی جنایات فجیع و مهیب وهابیان، واقعه عاشورا را برای مردم تداعی می‌کرد، آن را «حادثه طف ثانی» نامیدند.[۲۸]

این حادثه به قدری اسف‌بار بود که وقتی میرزا ابوطالب اصفهانی، چندین ماه پس از این فاجعه به کربلا وارد شد، تلخ‌کامی‌ها و آشفتگی‌های ناشی از آن را چنین گزارش کرد:

> در صحن مقدس، خون مذبوحان روان، گنبد و حجره‌های صحن از لاش مقتولین پُر بود.، شدت آن حادثه به جایی رسید که من بعدِ یازده ماه از آن وارد کربلا شدم، هنوز آن‌قدر تازگی داشت که به جز نقل آن، حدیثی دیگر در شهر نبود و راویان در اثنای حکایت می‌گریستند و از شنیدن آن، موها بر اندام راست می‌شد.[۲۹]

وهابیان حملات خود را به کربلا در سال‌های بعد ادامه دادند؛ چنان‌که در جمادی الاول ۱۲۲۳ قمری «امیر سعود بن عبدالعزیز» با قوای بسیاری که از نقاط گوناگون شبه‌جزیره عربستان گرد آورده بود، به سوی عراق رفت و

در سال ۱۰۳۲ هجری شاه عباس عازم کربلا شد و ضریحی از فولاد بر روی صندوق شاه اسماعیل نهاد و دستور تعمیر گنبد و کاشی‌کاری آن را صادر کرد.

می‌خواســت به کربلا حمله کند، اما به دلیل باروی استوار و برج‌ها محکم نتوانست به داخل آن نفوذ کند. اگرچه آنان شــهر را به گلوله بســتند، اما دفاع اهالی و مجاورین حرم حســینی موجب شد که وهابیان بدون هیچ نتیجه‌ای از محاصره کربلا منصرف شوند و آن‌جا را ترک کنند.[۳۰]

در ۱۲۷۳ قمری ناصرالدین شاه قاجار تعمیراتی در آستان حسینی انجام داد و طلاکاری گنبد آستان را بازسازی کرد. در همین سال‌ها شیخ عبدالحسین تهرانی مشهور به «شیخ العراقین» که وصی میرزا تقی‌خان امیرکبیر بود، از یک‌ســوم ارث وی، هشــتاد خانه مجاور صحن شریف حسینی را در قسمت غرب و جنوب غربی خرید و صحن شریف را توسعه داد.

پــس از حادثه کربلا در ماجرای تهاجم وهابیان، مهم‌ترین رویداد، وقایع «مناخور» اســت. این واژه به معنای امیرآخور است. سلیمان نامی اهل روسیه مدت‌ها مهتر و مناخور سعید پاشا بود که با کشته شدن وی در ۱۲۳۴ قمری، او به داوود پاشا، والی بغداد پیوست. حاکم بغداد، مناخور را مأمور حمله به کربلا کرد. مردم کربلا تا سال ۱۲۴۷ پیوسته از ستم مناخور در فشار بودند، تا این که در همان سال، حکومت داوودپاشا رو به زوال رفت و آتش‌افروزی مناخور فروکش کرد؛ اما با مشــاهده ضعف در دولت عثمانی، پاشای مذکور به سرزمین عراق طمع کرد و مناخور مأمور حمله به شــهرهای این ســرزمین شــد. قوای او به سوی کربلا روان شد و مــدت هجــده روز آن را در محاصره گرفت. در این مدت، ســه بار به شــهر هجوم بردند، ولی موفق نشــدند. در مجموع کربلا در نیمه قرن سیزدهم هجری از سوی سپاه مناخور بارها تهدید شــد تا این که سرانجام داوودپاشا برای اهالی کربلا امان صادر کرد. در این رویدادها کســانی که به خانه رؤسای فرقه شیخیه، از جمله شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی پناه می‌آوردند، از یورش و تهاجم مصون بودند.[۳۱]

از حدود سال ۱۳۳۳ قمری، هم‌زمان با جنگ جهانی اول، قشون استعمار بریتانیا به سرزمین عراق هجوم برد و کم کم در طول چندین سال، بخش‌هایی از این سرزمین را به اشغال درآورد. در دوران قیمومت انگلستان بر عراق، کربلا و نجف از لحاظ سیاسی و اجتماعی و راه‌ها ثبات لازم را نداشت، اما زمزمه مخالفت رهبران مذهبی شــیعیان با سلطه‌گری انگلستان، در این دو شهر شکل گرفت. آنان موفق شدند احساسات ضدانگلیسی مردم عراق را تقویت کنند و آنان را برای رهایی از سلطه

بریتانیا متحد سازند. در نتیجه، جنبشی بر اساس همکاری و تعاون گروه‌های سنی و شیعه شکل گرفت که انقلاب ۱۹۲۰ میلادی عراق به رهبری آیت‌الله شیخ محمدتقی شیرازی را به وجود آورد. قیامی که اقتدار انگلستان را درهم شکست و سیاست‌های این دولت را بی‌اعتبار ساخت و مقدمات استقلال عراق فراهم آورد.[۳۲] حرم امام حسین علیه‌السلام گلدسته‌ای باشکوه داشت که به آن مناره عبد می‌گفتند و بیش از شش قرن با هیبت خاصی، چشم هر بیننده‌ای را به سوی خود جلب می‌کرد؛ اما در سال ۱۳۵۴ قمری به بهانه‌های واهی، این گلدسته از اساس ویران گردید. این کار توسط «یاسین هاشمی» نخست‌وزیر وقت عراق صورت گرفت.[۳۳]

در سال ۱۳۵۵ قمری «سلطان طاهر سیف‌الدین اسماعیلی» کربلا را زیارت کرد و دستور داد تا ضریح مقدس را با نقره خالص بازسازی کند. این کار در سال ۱۳۵۸ انجام پذیرفت. برخی دیگر از بزرگان با پی‌گیری «عبدالحسین آل طعمه»، متولی مرقد حسینی مبالغ چشم‌گیری را برای نوسازی ضریح مطهر امام حسین علیه‌السلام اختصاص دادند که این کار در سال ۱۳۶۰ پایان گرفت.[۳۴]

در دوران رژیم بعثی عراق، کربلا فشارهای سختی را تحمل کرد و شاهد کشتار، ویرانی و غارت و تهاجم شدیدی بود. یکی از این فجایع در سال ۱۳۹۷ قمری واقع شد. در اربعین این سال، شیفتگان اهل بیت تصمیم گرفتند مسیر نجف تا کربلا را که حدود هشتاد کیلومتر است، با پای پیاده طی کنند. اگرچه این زائران تهدیدهایی را از سوی استاندار نجف «جاسم الرکابی» دریافت کرده

حاکم بغداد، مناخور را مأمور حمله به کربلا کرد. مردم کربلا تا سال ۱۲۴۷ پیوسته از ستم مناخور در فشار بودند، تا این که در همان سال، حکومت داوودپاشا رو به زوال رفت و آتش‌افروزی مناخور فروکش کرد؛ اما با مشاهده ضعف در دولت عثمانی، پاشای مذکور به سرزمین عراق طمع کرد و مناخور مأمور حمله به شهرهای این سرزمین شد. قوای او به سوی کربلا روان شد و مدت هجده روز آن را در محاصره گرفت.

بودند، اما شـــوق زیارت، چنان در قلوبشان شعله می‌کشـــید که از این تهدیدها هراسی به دل راه نمی‌دادند. چهار روز پس از حرکت کاروان‌ها به ســـوی کربلا و پیش از آن‌که به آستان حســـینی برســـند، لشـــکری بزرگ مجهز به تانک و زره‌پوش با حمایت بالگردهای جنگی به کاروان زائران حمله کرد که بر اثر این یورش ددمنشـــانه، بســـیاری از آنان کشـــته و عده‌ای زخمی و صدها نفر دســـتگیر شدند. رژیم بعثی این انتفاضه را به شدیدترین وضعی سرکوب کرد و جوّ ترسناکی بر کربلا حاکم ساخت.[۳۵]

نیروهای بعثی که شـــیعیان و معنویت عتبات عراق، از جمله کربلا را برنمی‌تابیدند، بارها به وسیله بمب‌افکن‌های خود، کربلا را بمباران کردند و خانه‌های شیعیان از هر سو مورد هجوم آنان بود. در شـــب نیمه شعبان ۱۴۱۱ قمری، هنگام غروب آفتاب، رژیم تمام درب‌های حرم سید شهیدان را بست و علاقه‌مندان را که این مکان را پناهگاهی امن و آرام می‌دانستند، پشت درهای حرم نگاه داشـــتند. در این میان، جمعیت چشـــم‌گیری که در پیشـــاپیش آنها جوانانی شجاع بودند، راه‌پیمایی کردند و علیه رژیم بعثی شعار دادند. این حرکت در روز بعد شدت گرفت و به تظاهرات گسترده‌ای تبدیل شد و با به شهادت رسیدن یکی از جوانان، شعله‌های قیام به اطراف و اکناف ســـرایت کرد. بعثی‌ها با تانک و زره‌پوش در همه جای شـــهر موضع گرفته بودند، اما با این همه امکانات نظامی، نیروهای خودجوش شـــهر به مقاومت خود ادامه دادند و موفق شـــدند درب حرم حسینی و بارگاه ابوالفضل علیه‌السلام را بگشایند و مراکز مهم شهر را به تصرف درآورند. در ۲۶ شـــعبان همچنان شهر در دست رشیدمردان کربلا بود تا این‌که مـــزدوران رژیم با رگبار مسلســـل امواج مقاومت را درهم شکســـتند و مردم مظلوم را دســـته دسته اســـیر و اعدام می‌کردند. حرمین شریفین را به توپ بســـتند. حتی مجروحان و بیماران در مراکز درمانی از گزند هجوم وحشـــیانه آنان مصون نبودند. مزدوران رژیم به این جنایات اکتفا نکردند و با گســـتاخی تمام، داخل حرم حسینی و آستانه حضرت ابوالفضل علیه‌السلام شدند و از روی اجساد شهدا گذشته و به تاراج جواهرات و اشیای گران‌بهای آن دو حرم پرداختند.[۳۶]

طرفداران رژیم صدام حســـین پس از انتفاضه شـــعبان ۱۴۱۱ بســـیاری از مدارس علوم دینی، حســـینیه‌ها و مقام‌های مقدس و زیارتی را مورد حمله قـــرار دادند و ویران کردند. عده‌ای از علما و مدرسان حوزه‌ها و شخصیت‌های ادبی و فرهنگی را نیز به شهادت رساندند.[۳۷]

ایــن وقایع چنــان خون‌بار و فجیع بود که مقام معظم رهبــری در اطلاعیه‌ای از وقوع آن به شدت اظهار تأسف کرد:

> اخبار متواتر از عملکرد ارتش عراق در نجف و کربلا و اهانت به ســاحت مقدس عتبات عالیه و ورود بی‌ادبانه به صحن و ســرای حرم‌های حضرت امیرالمؤمنین و حضرت سیدالشــهداء و حضرت ابوالفضل علیهم‌السلام و هتک حرمت و تخریب آستان مقدس آنان که قبله قلوب شیعیان و محبان و آزادگان عالم است، هر روز بیش از پیش پرده از این هتاکی‌های کینه‌آلود برداشته، ابعاد جنایت را آشکارتر می‌سازد. لعنت و غضب خداوند بر حکام بعث عراق باد که چون اســلاف خویش مصیبت عاشورا را بار دیگر تکرار کردند و با یورش وحشیانه به نجف و کربلا آن کردند که قلم از شرح آن عاجز است.[۳۸]

هنگام سقوط صدام و اشغال عراق توسط آمریکا، از اواخر ۱۳۸۱ شمسی حضور بیگانگان در این ســرزمین برای شهرهای زیارتی چون کربلا و نجف دردسرهای ویرانگر و خونینی به بار آورد و امنیت این مناطق مقدس مورد تهدید جدی قرار گرفت. با روی کار آمدن دولتی شــیعه در عراق، مرم این سامان تصور می‌کردند که به آرامش رسیده‌اند، اما با توطئه استکبار و بقایای رژیم بعثی، نیرنگ صهیونیست‌ها و دولت‌های مرتجع منطقه، باز هم عتبات عراق از حوادث خون‌بار و تروریســتی آسوده نشد و این جنایات و فجایع آشفته همچنان جان زائران و مجاوران عتبات عراق را در معرض تهدید قرار داده است.[۳۹]

با این وجود ســیل زائرین مشتاق از کشــورهای گوناگون، به‌ویژه ایران به سوی این شهرهای مقدس روان اســت و برای بازســازی و مرمت، توســعه و افزایش جاذبه اماکن زیارتی، اقدامات گسترده و ارزشمندی صورت گرفته است. در این میان اهتمام دولت و ملت ایران ستودنی است.

کربلای کنونی

عراق از ۱۸ استان تشکیل شده که یکی از آنها استان کربلاست. این استان بین استان نجف در شــرق و جنوب شرقی، بابِل در شمال شرقی و شرق، انبار در شمال و شمال غربی و غرب محصور است و از جنوب و جنوب غربی با عربستان سعودی هم‌مرز می‌باشد.[۴۰] مساحت این استان بیش از شش‌هزار کیلومتر مربع است.

بین‌النهریـــن، از جمله کربلا مدت چهار قرن صحنه درگیـــری و رقابت میان دو امپراتوری صفـــوی و عثمانی بود که این وضع بر ترکیب جمعیتی، فرهنگی و ســـاختار اجتماعی کربلا بی‌تأثیر نبوده، ولی این شهر مقدس حوزه استقرار شیعیان فارسی‌زبان بوده است و ایرانیانی که در قرون و اعصار گوناگون به این دیار مهاجرت کرده‌اند، در جهت عمران و آبادانی کربلا و اماکن مقدس آن بسیار کوشیده‌اند. وجود باغ‌های گوناگون میوه، نخل‌های خرمای مرغوب و مزارع سرســـبز در کربلا که از رود فرات ســـیراب می‌شوند، محصول تلاش آنان است. در کربلا محلات قدیمی و بازارهای متعددی دیده می‌شـــود کـــه در آنها می‌توان جلوه‌هایی از معماری و هنر ایرانی را دید.[۴۱] ساکنان مناطق حوالی کربلا و افرادی که در روستاها و مناطق دورافتاده زندگی می‌کنند، تعلق خاطر ویژه‌ای به کربلا دارند و تحت تأثیر جامعه شـــیعی این شـــهر قرار گرفته‌اند. آنان در مناســـبت‌های خاصی چون ایام محرم، اربعین، نیمه شـــعبان، ماه رجب و... با آداب و رسوم بومی برای زیارت به کربلا می‌آیند.[۴۲]

کربلا در ســـاختار دیگر شـــهرها و مراکز فرهنگی عراق اثر گذاشـــته و در تکوین فرهنگ خاص تشیع و استواری باورهای دینی و شکل‌گیری خیزش‌های سیاسی عراق، نقش به‌سزایی دارد. این شـــهر در اســـتقبال باشکوه از امام خمینی(ره) در ســـال ۱۳۴۴ نسبت به دیگر شهرها پیش‌قدم بود و اولین اعتراض گســـترده علیه بعثی‌ها در کربلا شـــکل گرفت. آداب و رســـوم و شـــعائر شـــیعیان که امکان چندین گردهمایی مردمی را در طول سال پدید می‌آورد، کربلا را مرکـــز رفت‌وآمدهای طوایف و گروه‌های مختلفی کرده اســـت کـــه از دیگر نقاط عراق (شـــهرها، روستاها و مناطق عشـــایری) به این دیار می‌آیند. این پدیده باعث تحکیم مناسبات انسانی، بهبود روبط اجتماعی و گسترش تجارت میان کربلا و شهرهای منطقه فرات مرکزی و بغداد گردیده اســـت. حـــوزه علمیه کربلا و علمـــا و مجتهدان این شـــهر ضمن این که در تربیت مشـــاهیر بسیاری از دنیای تشیع دخالت داشته‌اند، در غنای باورهای مردمی و گسترش و عمق‌بخشـــی به فرهنگ تشیع نیز بسیار تأثیرگذار بوده‌اند. این علما و در رأس آنان آیت‌الله میرزا محمدتقی شیرازی در برابر تجاوز استعمار انگلیس موضع‌گیری کردند و نقش دینی و سیاسی خود را در این باره به خوبی ایفا نمودند.[۴۳]

بـــه برکت بارگاه مقدس حضرت امام حســـین علیه‌السلام و برادرش ابوالفضل العباس علیه‌السلام شـــیعیان

زیـادی از مناطق گوناگون جهان به عراق مهاجرت کرده و در جـوار ایـن اماکن مقدس اقامـت گزیده‌اند. در این شهر در سـال‌های اخیر خیابان‌های متعددی احداث شده که تردد زائرین و سـاکنین آن و نیز فعالیت‌های اجتماعی و اقتصـادی کربـلا را سـرعت می‌بخشـد. مهم‌ترین آنها خیابان‌های العباس، الحسـین علیه‌السلام، علـی الاکبر علیه‌السلام، الامام علی علیه‌السلام، رسـول اعظم، بغـداد، وحدة العربیـه و العلقمی می‌باشد. کربلا بازارهایی به سبک قدیم و جدید دارد که در آنها انـواع کالاها، اجناس مورد نیـاز زائران، هنرهای دسـتی و سـنتی عرضه می‌شـود کـه عبارتند از: سـوق الحسین علیه‌السلام، سوق العرب، سوق صفافیر سوق زینبیه، سوق علاوی، سوق باب الخان.[۴۴]

کانون این شـهر بارگاه حضرت امام حسین علیه‌السلام و دیگر شـهدای نینواسـت. صحن مطهر این حرم به شـکل مربع مسـتطیل و به طول ۷۰ و عرض ۵۵ متر در زمینی پایین‌تر از اراضی اطراف واقع اسـت که اساس آن از شاه‌کارهای معماری عصر آل‌بویه اسـت؛ ولی در اعصـار بعد در آن تحولاتی به وجود آمده اسـت. آسـتان مقدس دارای ده درب ورودی به داخل صحن شـریف می‌باشد: درب قبله و درب رحمت در جنوب، درب‌های زینبیه، رأس الحسین و باب سـلطانیه در غرب، درب سـدره و باب السـلام در قسـمت شـمالی، سـه درب به نام‌های باب الکرامه، باب الشـهداء و باب قاضـی الحاجات در بخش شـرقی. این صحـن ۶۵ حجره دارد که در مقابل هر کدامشـان ایوانی دیده می‌شـود. بین درب قاضی الحاجات و درب شـهدا

کربلا مـدت چهار قرن صحنه درگیـری و رقابـت میان دو امپراتوری صفـوی و عثمانی بود که ایـن وضع بر ترکیب جمعیتی، فرهنگی و سـاختار اجتماعی کربلا بی‌تأثیر نبوده، ولی این شـهر مقدس حوزه استقرار شیعیان فارسی‌زبان بوده است و ایرانیانی که در قـرون و اعصـار گوناگون به این دیار مهاجـرت کرده‌اند، در جهـت عمـران و آبادانـی کربـلا و اماکـن مقـدس آن بسیار کوشیده‌اند.

آستان مقدس دارای ده درب ورودی به داخل صحن شریف می‌باشـد: درب قبله و درب رحمت در جنـوب، درب‌های زینبیه، رأس الحسین و باب سلطانیه در غرب، درب سدره و بـاب السـلام در قسـمت شمالی، سـه درب به نام‌های باب الکرامه، باب الشـهداء و باب قاضی الحاجات در بخش شرقی.

مسـجد بزرگی سـاخته شده است. بین درب شـهدا و درب کرامت، حسینه‌ای وجود دارد و در جنوب صحن، تکیه بکتاشـیه ساخته شده است. در داخل صحن شریف و نیز اطراف آن، مقبره جمعی از علما و کارگزاران شـیعه واقع اسـت. خود صحن از دو طبقه تشکیل شده که تمامی دیوارهایش با کاشی‌کاری مزین است و هیئت باشکوهی دارد. آستان مقدس در وسط صحن شـریف قرار دارد که از چهار سویش درب‌های متعدد برای ورود به رواق‌های مطهر تعبیه شـده، ولی درب اصلی و بزرگش در جنوب حرم است. در مقابل درب آستان، ایوانی دیده می‌شود که به ایوان طلا مشهور است. در دو سوی این ایوان، دو مناره بلند از طلا توجه هر بیننده‌ای را به سـوی خود جلب می‌کند. ایوان دارای سـه درب ورودی است که به رواق جنوبی حرم شریف منتهی می‌گردد. رواق جنوبی به این دلیل که محل دفن حبیب بن مظاهر اسدی است، به نام او معروف می‌باشد. در داخل حرم، صندوق گران‌بهایی بر روی قبر مطهر قرار دارد که بر رویش ضریح نقره مزین به جواهرات عالی و نفیس نصب شده است. کف و دیواره‌های حرم و رواق تا حدود دو متر، از بهترین سنگ مرمر ایران است. حرم و رواق‌ها را

با کاشی‌کاری آیات قرآنی زینت داده‌اند. تمام سقف‌های حرم و رواق‌ها به دست هنرمندان ایرانی آیینه‌کاری شده است. در قسمت شرق مرقد سیدالشهدا قبر دسته‌جمعی شهدای کربلا واقع است، اما قبر حضرت علی‌اکبر علیه‌السلام داخل ضریح و زیر پای پدر می‌باشد. طول حرم مبارک در محدوده ضریح مطهر و زیر گنبد ۱۰/۴۰ متر و عرضش ۹/۱۰ متر می‌باشد. به فرموده امام صادق علیه‌السلام نماز در چهار مکان کامل خوانده می‌شود: مسجدالحرام، مسجدالرسول، مسجد کوفه و حرم امام حسین علیه‌السلام.[۴۵] اگرچه برآورد حدود و مساحت حائر حسینی به طور کامل دشوار است ـ زیرا بارها از سوی دشمنان ویران شده و به وسیله علاقه‌مندان بازسازی شده ـ اما با تکیه بر منابع روایی و فقهی می‌توان آن را تخمین زد؛ به‌ویژه با استناد به این فرموده امام صادق علیه‌السلام:

«قبر الحسین بن علی علیه‌السلام عشرون ذراعاً مکسراً روضة مِن ریاضِ الجَنة»

و در روایت دیگری از قول آن حضرت ۲۵ ذرع (ذراع یعنی ساق دست، یا مسافت از سر آرنج تا نوک انگشتان میانه انسان) تحدید شده است. البته در احادیث دیگری آمده است:

«حرمة قبر الحسین فرسخ فی فرسخ من اربعة جوانبه»

و بنا به نوشته علامه مجلسی در بحارالانوار این حریم یک فرسخ از جانب از هر ضلع حرم است؛ چنان‌که در روایت دیگری از امام ششم نقل شده است:

«حریم قبر الحسین فرسخٌ فی فرسخٌ من اربع جوانب القبر».[۴۶]

بنا بر این روایات، جمعی از فقها مساحتی که زیر گنبد و حدود آن واقع است را حائر شمرده‌اند. عده‌ای نیز حرم مطهر و تمام عمارت‌های ضمیمه آن را شامل این عنوان دانسته‌اند و برخی هم در این باره تفکیک کرده‌اند و افزوده‌اند که برای برداشتن تربت از حرم، این محدوده وسیع‌تر می‌گردد، ولی برای تمام بودن نماز و استجابت دعا، محدوده صحن مطهر را در نظر گرفته‌اند.[۴۷]

پی‌نوشت‌ها:

۱. مقتل مقرم، ص ۲۹۰.
۲. الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، شیخ مفید، ج ۲، ص ۱۱۴.
۳. تراث کربلا، سلمان هادی آل‌طعمه، ۳۳ ـ ۳۲.
۴. روضة الواعظین، محمد بن الفتال النیشابوری، ج ۱، ص ۱۹۲؛ بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۱۳۰؛ بشارة المصطفی لشیعة المرتضی، محمد طبری، ص ۷۵ ـ ۷۴؛ مقتل مقرم، ص ۴۳۶؛ تحقیق درباره اولین اربعین حضرت سیدالشهداء، سید محمدعلی قاضی طباطبایی، ص ۲۷۴.
۵. تاریخ طبری، ج ۴، ص ۷۰؛ تشیع در مسیر تاریخ، سید حسین جعفری، ص ۲۷۱.
۶. مروج الذهب، مسعودی، ج ۲، ص ۷۹ ـ ۷۷؛ الحسین و الحسینیون، نورالدین شاهرودی، ص ۳۸؛ دائرة المعارف تشیع، ج ۱، ص ۷۴.
۷. وسایل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۱۴، ص ۴۱۹، ص ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۴۵؛ کامل الزیارات، جعفر بن‌قولویه قمی، ص ۲۲۷، ۲۳۱، ۲۳۵، ۲۶۰، ۲۸۳، ۲۸۶، ۳۰۷، ۳۰۹، ۳۱۲، ۳۱۵.
۸. بحار الانوار، کتاب مزار، ص ۱۷۹.
۹. تراث کربلا، ص ۳۴؛ نزهة اهل الحرمین فی عمارة المشهدین، سید حسن صدر، طبع هند، ص ۲۸.
۱۰. شهر حسین، محمد باقر مدرس بستان آبادی، ص ۱۹۱ ـ ۱۹۰.
۱۱. کامل الزیارات، ص ۲۸۷؛ بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۲۳۴، ج ۱۰۱، ص ۱۱۲؛ الامام الهادی من المهد الی اللحد، سید محمدکاظم قزوینی، ص ۴۷۴؛ موسوعة کلمات الامام الهادی، ص ۴۷۴.
۱۲. تتمه المنتهی، محدث قمی، ص ۲۱۷، شیعه و زمامداران خودسر، محمدجواد مغنیه، ص ۱۹۴ ـ ۱۹۳؛ مقاتل الطالبیین، ابوالفرج اصفهانی، ص ۵۹۹ ـ ۵۹۷؛ تاریخ الخلفاء، سیوطی، ص ۳۴۷.
۱۳. تراث کربلا، ص ۳۶ ـ ۳۵؛ دائرة المعارف تشیع، ج ۱، ص ۷۵.
۱۴. آل بویه نخستین سلسله قدرتمند شیعه، علی‌اصغر فقیهی، ص ۴۴۸، ۴۶۱ و ۴۶۲.
۱۵. تاریخ کربلا و حائر الحسین، عبدالجواد کلیددار، ص ۱۷۱؛ دائرة المعارف تشیع، ج ۱، ص ۷.
۱۶. فرحة الغری، سید بن طاوس، ص ۶۷؛ الکامل فی التاریخ، ابن اثیر، ص ۱۷۶؛ تراث کربلا ص ۳۹.
۱۷. النجوم الزاهرة، ابن تغری بردی، ج ۴، ص ۲۴۱؛ المنتظم، سبط ابن جوزی، ج ۷، ص ۲۸.
۱۸. تراث کربلا، ص ۴۰؛ تاریخ ایران، پژوهش کمبریج، ج ۵، ص ۲۷۹ تا ۲۸۳؛ سلجوقیان، ملیحه ستارزاده، ص ۹.
۱۹. تاریخ مغول و اوایل ایام تیموری، عباس اقبالی، ص ۱۸۵ ـ ۱۸۴؛ تراث کربلا، ص ۴۰.
۲۰. سقوط بغداد، پی نن رشیدوو، ترجمه اسدالله آزاد، ص ۲۴۶.
۲۱. تاریخ ایران اسلامی، دفتر سوم، رسول جعفریان، ص ۹۷؛ تاریخ ایران، پژوهش کمبریج، ج ۵، ص ۳۶۸.

۲۲. تاریخ فتوحات مغول، ج ساندرز، ترجمه ابوالقاسم حالت، ص ۲۴۶.
۲۳. سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه محمدعلی موحد، ج ۱، ص ۲۷۳ ـ ۲۷۲.
۲۴. تاریخ آل جلایر، شیرین بیانی، ص ۱۳۵.
۲۵. دائرة المعارف تشیع، ج ۱، ص ۷۶.
۲۶. فرهنگ فرق اسلامی، محمدجواد مشکور، ص ۴۱۳؛ شهر حسین، ص ۳۵۴ ـ ۳۵۳.
۲۷. شهر حسین، ۳۱۲.
۲۸. تاریخ کربلا و حائر حسین، ص ۱۷۲، میراث ماندگار، ج ۱، ص ۳۹۸.
۲۹. مسیر طالبی، به کوشش حسین خدیوجم، ص ۴۰۹.
۳۰. وهابیان، علی‌اصغر فقیهی، ص ۲۶۳.
۳۱. میراث ماندگار، ج ۱، ص ۳۹۹ ـ ۳۹۸؛ تراث کربلا، ص ۳۶۷؛ تاریخ کربلا، سید عبدالحسین کلیددار آل طعمه، ص ۲۰.
۳۲. تاریخ نوین عراق، فب مار، ترجمه محمد عباسی‌پور، ص ۶۹ ـ ۶۸؛ عراق، ساختارها و فرایند گرایش‌های سیاسی، سید حسن سیف‌زاده، ص ۴۶.
۳۳. سیمای کربلا، محمد صحتی سردرودی، ص ۱۳۲ ـ ۱۳۱؛ تراث کربلا، ص ۴۹.
۳۴. تراث کربلا، ص ۴۷
۳۵. العراق الواقع و آفاق المستقبل، ولید حلی، ص ۱۴۹.
۳۶. همان، ص ۱۷۲ ـ ۱۷۰.
۳۷. همان، ص ۸۵ ـ ۲۷۵؛ سنوات الجمر، علی المؤمن، ص ۴۵۵.
۳۸. گزیده‌هایی از اطلاعیه مقام معظم رهبری در ۵ ذی‌قعده ۱۴۱۱ هجری.
۳۹. امت مسلمان دیروز امروز، از همین قلم، ص ۱۳۹.
۴۰. عراق ساختارها و فرآیند گرایش‌های سیاسی، ص ۱۸۶؛ اطلس جامع گیتاشناسی، ص ۳۹.
۴۱. کربلا مدینة الشهادة و التاریخ، زهیر سلیمان، الثقافة الاسلامی، ش ۲۶، محرم و صفر ۱۴۱۰ هجری.
۴۲. نهضت شیعیان در انقلاب اسلامی عراق، عبدالله فهد نفیسی، ترجمه کاظم چایچیان، ص ۱۴؛ عراق، ساختارها و فرآیند گرایش‌های سیاسی، ص ۴۱.
۴۳. تاریخ حرکت اسلامی در عراق، عبد الحلیم الرهیمی، ترجمه محمدنبی ابراهیمی، ص ۹۶ ـ ۹۴.
۴۴. مجله الثقافة الاسلامیه، ش ۲۶، محرم و صفر ۱۴۱۰ هجری، ص ۲۳۷ ـ ۲۳۶.
۴۵. دائرة المعارف تشیع، ج ۱، ص ۷۷ ـ ۷۶.
۴۶. وسایل الشیعه، ج ۱۰، ص ۴۰۱، باب ۶۷ فی حد حرم الحسی؛ بحار، ج ۱۰۱، ص ۱۱۴؛ کامل الزیارات، ص ۲۷؛ الاستئفاء بالتربة الشریفة الحسین، ص ۵۴ ـ ۵۳.
۴۷. دائرة المعارف تشیع، ج ۱، ص ۴۰.